

بررسی تحلیلی مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام از منظر سفرنامه‌های اروپایی عصر صفوی و تاثیر آن در پیروزی انقلاب اسلامی ایران

دکتر رمضان رضایی*

چکیده

تاریخ صفویه در ترویج سنتهای اعتقادی شیعه به ویژه سوگواری امام حسین علیه السلام تاثیر بسیاری داشته است، با توجه به سیاست مذهبی حکومت، مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام بسیار باشکوه و آزادانه برگزار می‌گردید. هدف اصلی پژوهش، بازشناسی این مراسم از نگاه ناظران اروپایی و در نتیجه تاثیر آن در انقلاب اسلامی است. لذا مسئله اصلی این است که مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام در سفرنامه‌های اروپایی عصر صفوی چگونه انعکاس یافته و دیدگاه آنها چه بوده است؟ و تاثیر آن در انقلاب ما چه بوده است؟ در پی آن، این فرضیه طرح می‌گردد که سیاحان اروپایی به اهمیت و عظمت مراسم سوگواری محرم در نزد ایرانیان اشاره داشته و گزارش‌های آن‌ها در این زمینه ترکیبی از اخبار صحیح و نادرست است. با بررسی سفرنامه‌های اروپاییان عصر صفوی می‌توان نتیجه گرفت گاه روح الحادی و مادیگراییه آنان نیز هست که مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام در عصر صفوی با حمایت دولت صفوی رشد و توسعه یافت و در عین حال با رسوم غیر مذهبی و خرافی نیز آمیخته گردید و به مرور شکل مذهبی گرفت. ایجاد همبستگی و استمرار فرهنگ دینی، وفاق اجتماعی، جامعه پذیری و بازیابی هویت دینی از کارکردهای مهم این مراسم می‌باشد.

واژگان کلیدی

مراسم سوگواری، امام حسین (علیه السلام)، صفویه، سیاحان اروپاییها، تعزیه عاشور و دگرگونی‌های ایران.

مقدمه

با رسمیت یافتن مذهب تشیع در دوره صفوی، برگزاری مراسم مذهبی از جمله عزاداری ماه محرم برای امام حسین (علیه السلام) و یارانش، یکی از راه‌های گسترش اندیشه شیعی در ایران بوده و هست. به همین جهت در دوره صفویه آیین سوگواری حسینی با شدت و جدت هر چه تمام‌تر برگزار می‌گردید. هدف اصلی پژوهش مذکور، بررسی و تحلیل بازتاب مراسم عزاداری امام حسین (علیه السلام) در هشت سفرنامه اروپایی عصر صفوی یعنی فیگوئروا، دلاواله، اولتاریوس، تاورنیه، کمپفر، جملی کارری، کاتف و شاردن است. و در پایان نتیجه آن در زمان ما و انقلاب شکوهمند حضرت امام خمینی (ره) از آن جای که بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام)، همواره برگزاری عزاداری حسینی، مورد توجه شیعیان بود ولی به دلیل سلطه خلفای سنی مذهب اموی و عباسی و حکام وابسته به آن‌ها، انجام این مراسم با مشکلاتی مواجه می‌شد. در دوره کوتاه مدت آل بویه، فرصتی برای اجرای این مراسم فراهم شد اما با تضعیف و سقوط آن‌ها، دوباره مشکلات زیاد شد تا اینکه حکومت صفویه، شرایط را برای اجرای مراسم سوگواری فراهم کرد.

سیاحان و هیئت‌های خارجی که در عصر صفویه به ایران آمدند، به این مراسم توجه داشته و دیدگاه‌های خود را درباره آن ارائه داده‌اند. لذا مسئله اصلی پژوهش این است که نگاه هشت سفرنامه‌نویس مذکور نسبت به مراسم عزاداری حسینی ایرانیان در ماه محرم چگونه بوده و به چه شکلی آن را انعکاس داده‌اند؟ و امام خمینی چگونه در انقلاب حسینی‌اش مطرح فرمودند؟ در پی این سؤال، این فرضیه طرح می‌گردد که آیین سوگواری حسینی از منظر سیاحان اروپایی پوشیده نمانده و گزارش‌های آنها با آمیزه‌ای از روایات صحیح و نادرست همراه بوده است و سیاحان اروپایی به ارزش معنوی، اجتماعی و سیاسی این آیین در نزد ایرانیان اعتراف نموده‌اند. در پژوهش مذکور با روش توصیفی و تحلیلی و با کمک داده‌های کتابخانه‌ای به بررسی سؤالات و فرضیه اصلی پژوهش پرداخته می‌شود.

۱. پیشینه تحقیق

در زمینه پیشینه تحقیق باید گفت مقالات و کتب متعددی در زمینه مراسم مذهبی در ایران به نگارش درآمده است که در راستای آن از مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام نیز بحث نموده‌اند. آقای مهدی نجف‌زاده در مقاله «صورت‌بندی مذهبی - سیاسی جامعه ایرانی در عصر صفویه» (فصلنامه سیاست، ش ۱، ۱۳۸۹)، از مراسم مذهبی از جمله محرم به شکل منسجم بحث‌های خوبی ارائه داده‌اند. محمد علی پرغو و صدیقه غلامزاده در مقاله «عزاداری محرم در عهد صفوی، یک بررسی آسیب‌شناختی» (فصلنامه تاریخ اسلام باقرالعلوم قم، ش ۳، ۱۳۹۴)، به بررسی مراسم مذهبی محرم در عصر صفوی با توجه به متون ادبی و دینی پرداخته و تحریفات و آسیب‌های اجتماعی آن را به شکل کلی و توصیفی مورد بررسی قرار داده است. رسول جعفریان در مقاله «سوگواری محرم در سفرنامه‌های خارجی» (مجله نور، ش ۴۰، ۱۳۷۰)، به صورت کلی از سفرنامه‌های خارجی دوران مختلف درباره محرم بحث نموده‌اند. آقای اصغر فروغی ابری در مقاله «کارکرد مراسم سوگواری عاشورا در رسمی شدن مذهب شیعه در زمان صفوی» (مشکوه، ش ۸۱، ۱۳۸۳)، از تأثیرات این مراسم در رسمی شدن مذهب اشاره نموده‌اند. علاوه بر آن کتاب‌های نیز در زمینه مراسم مذهبی در عصر صفوی نوشته شده است. محمد علی رنجبر در کتاب مراسم مذهبی در ایران عصر صفوی (نشر کوشامهر شیراز، ۱۳۹۰) و اصغر حیدری در کتاب جلوه‌های عزاداری امام حسین علیه السلام در ایران با تکیه بر دوره صفویه (نشر مطالعات تاریخ معاصر، ۱۳۹۱)، به صورت کلی از مراسم مذهبی از جمله محرم یاد نموده‌اند. با توجه به پیشینه تحقیق، نویسنده در این پژوهش به صورت موردی و فقط با تکیه به گزارشات هشت سفرنامه خارجی عصر صفوی، به بررسی توصیفی، تحلیلی و جامعه‌شناختی مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام در عصر صفوی پرداخته است.

۲. پیشینه مراسم سوگواری به عنوان نماد ملی و مذهبی

مراسم سوگواری و تعزیه، در ایران پیش از اسلام، ریشه در مراسم سوگواری سیاوش پسر کیکاووس کیانی دارد که به مکر همسرش سودابه و بدست افراسیاب، در عین پاکی و راستی کشته شد (اژند، ۱۹).

سیاوش در اساطیر و باور ایرانی مظهر پاکی و صداقت است که از آتش و آب و جان می‌گذرد تا صداقت پایدار بماند و حقیقت بر دروغ چیره شود (بلوکباشی، ۱۴۷). آیین سیاوش‌خانی به صورت تعزیه اجرا می‌شد و شباهت‌های بسیاری میان این آیین و مراسم واقعه کربلا بود. از جمله اینکه هر

دو خواص بودند، کنار آب شهید شدند، در مقابل دروغ ایستادند و مظهر مظلومیت هستند (همو: ۳۰).
 برگزاری مراسم خاطره شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش در کربلا، به صورت رسمی از دوره آل-
 بویه و زمان فرمانروایی احمد معزالدوله بویهی شکل گرفت. معزالدوله در سال ۳۵۲ هـ ق دستور داد،
 مراسم عزاداری در دهه اول محرم به صورت علنی برگزار شود (ابن اثیر/۵، ۲۲۵۸). در روز عاشورا،
 تمام بازارها بسته می‌شد و لباس سیاه و عزا می‌پوشیدند و برای امام حسین علیه السلام گریه و زاری می-
 کردند. از سال ۳۵۲ هـ ق تا اواخر حکومت آل‌بویه در بیشتر سال‌ها، مراسم روز عاشورا برپا می‌شد
 (فقیهی، ۳۰ - ۳۱؛ کبیر، ۳۳۹).

البته مراسم سوگواری در میان دیلمان به خصوص زنان آن‌ها، ریشه قدیمی دارد و این مسئله در
 کنار سیاست دینی معزالدوله، در برپای سوگواری امام حسین علیه السلام تأثیرگذار بوده است. از رسوم سنتی
 عزاداری مردم دیلم این بود، زنان با موی پریشان و چهره سیاه کرده از خانه‌هایشان خارج می‌شدند و
 بر سر و صورت خود می‌کوفتند و جامه به تن می‌دریدند و درعزا به خصوص عزای حسینی
 شرکت می‌کردند (کبیر، ۳۳۹).

در هر صورت برگزاری آیین سوگواری ماه محرم با سقوط حاکمیت آل‌بویه، چند قرن با
 مشکلاتی همراه شد و حتی به صورت مخفی برگزار می‌گردید تا اینکه در دوره صفویه، دوباره با
 رسمی شدن تشیع، رشد یافت و به اوج شکوفایی خود رسید.

۳. بازتاب مراسم عزاداری حسینی در هشت سفرنامه عصر صفوی

۳-۱. مراسم عزاداری حسینی در سفرنامه دن. گارسیا دسیلوا فیگوئروا

فیگوئروا سفیر دولت اسپانیا در ایران، در زمستان (۱۶۱۹ م / ۱۲۰۸ ق) شاهد عزاداری ایرانیان برای
 امام حسین علیه السلام بود. فیگوئروا در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «... خانه محل اقامت سفیر کاملاً نزدیک
 مسجد بزرگ اصفهان بود. این موقعیت به ما امکان می‌داد که شاهد تشریفات مجالس وعظ و
 عزاداری باشیم...» (فیگوئروا، ۳۰۷). فیگوئروا در ادامه اشاره دارد که موعظه‌گران مجالس سوگواری،
 ملا (علمای دینی) هستند که در زمینه شهادت امام حسین علیه السلام با حرارت تمام برای مردم سخن می-
 گویند (همو، ۳۰۷ - ۳۰۸).

وی از حضور همه طبقات جامعه در مراسم عاشورا، به خصوص حضور زنان از اقشار مختلف بالا
 تا پایین جامعه و حتی زنان بدکاره یاد می‌کند (همو، ۳۰۷-۳۰۸).
 وی در ادامه می‌نویسد: «در پایان گریه‌زاری‌ها و ختم مجلس، فقیهی آراسته و مقدس با چهره‌ای

درهم و اندوه برادر مسجدی ایستاده تا هدایایی از کسانی که در مجالس عزای شرکت کرده بودند، دریافت کند، به خصوص زنان هر یک به زار همت و متناسب با قدس و تقوای خویش برخی مبلغی پول و بعضی طاقه‌ای پارچه یا قبا یا لباده به وی می‌دادند، ... « (همان جا).

روایت عینی فیگوئروا بیانگر این است که وعاظ در قبال موعظه خود، پول یا کالای دریافت می‌کردند که بیشتر از دوره صفویه مرسوم گردید و تا به امروز به صورت معقول‌تری ادامه دارد. فیگوئروا آخرین روز عزاداری، «روز عاشورا» را به تفضیل شرح می‌دهد، هرچند برخی از گزارش‌های عینی او در این روز قابل تعمق است و باید با دید احتیاط نگریست. وی در این مورد می‌نویسد: «در آخرین روز عزاداری همه مردم خرده پای شهر در حالی که پرهایی بر عمامه خود زده‌اند با طبل و سنج و سلاح در دست، گرد می‌آیند و دسته دسته در محله‌ها و میدان‌های عمومی شهر حرکت می‌کنند. در این گونه روزها اتفاق می‌افتد، اجتماع کنندگان باهم برخورد بپردازند و همدیگر را بکشند. این مرگ را به سبب آنکه در روز شهادت حسین علیه السلام اتفاق افتاده است، به فال نیک می‌گیرند» (همو، ۳۱۱). این روایت فیگوئروا تاحدی قابل قبول است ولی اینکه با همدیگر در حد کشتار زد و خورد داشتند را نمی‌توان پذیرفت و اغراق‌آمیز است.

فیگوئروا در ادامه بحث، گزارشاتمی از مراسم روز عاشورا اصفهان ارائه می‌دهد که اغراق و شاید تحقیرآمیز است و چندان قابل قبول نیست (ر.ک. همو، ۳۱۱ - ۳۱۳) و در هیچ یک از منابع داخلی و سفرنامه‌های خارجی این دوره، دیده نمی‌شود. فیگوئروا گزارشات عینی‌اش را این‌گونه ادامه می‌دهد: «در آخرین روز (عاشورا) ما شاهد وقایع آن بودیم، گروه کثیری با خشمی بی‌سابقه با یکدیگر زد و خورد پرداختند، دسته جمعی به خارج شهر و به سوی محوطه‌ای کنار رودخانه که برای قربانی بود ... هجوم آوردند، به بدن شتر نیزه زدند و ... بخاطر ازدحام عده‌ای کشته و زخمی شدند، افراد قطعه شتر را بر نوک شمشیر قرار داده و در شهر به راه می‌افتادند» (همو، ۳۱۱ - ۳۱۲). اما بعید است، عزاداران ایرانی گوشت قربانی را بر نوک شمشیر قرار دهند و در شهر بگردانند، احتمالاً فیگوئروا با مراسم دیگری اشتباه گرفته یا شاید قصد تحقیر مسلمانان را داشته است. هر چند خودش اعتراف می‌کند، این مراسم به جز اصفهان در جای دیگر رایج نیست و عمل قدیمی است و ریشه آن را به اعراب جاهلیت نسبت می‌دهد (همو، ۳۱۴).

همچنین در روز عاشورا، از عزاداری گروهی دیگر یاد می‌کند و این‌گونه می‌نویسد: «بجز پوشش عورت، برهنه‌اند و بدن خود را سیاه می‌کند و با آهنگ طبل به رقص در می‌آیند. در صورت برخورد با گروه دیگری از قماش خود با مشت و لگد به جان هم می‌افتند. اگر کارد یا خنجری بدست آوردند

همدیگر را می‌کشند و ... شهید تلقی می‌شوند» (همو، ۳۱۲).

این گزارش فیگوتروا، منطقی و منطبق با واقعیت نیست. احتمالاً به دلیل عدم آگاهی از مراسم مذهبی، اجرای نمایش صحنه‌های واقعه کربلا را به این شکل ترسیم نمود که افراد قصد کشتن هم دارند.

علاوه بر اینها، از مراسم دیگری یاد می‌کند که ربطی به واقعه کربلا ندارد و بیشتر جنبه خرافی و تحقیرآمیز دارد و این‌گونه می‌نویسد: «عده‌ای دیگر در مراکز تجمع مردم گودالی می‌کنند و تمام بدن خود را برهنه و تا گردن در خاک فرو می‌کنند ... اینان رفیقی دارند که از حاضران یا رهگذران ایشان صدقه جمع می‌کنند» (همان جا). حتی خود فیگوتروا نیز این کار را شیادی و کسب درآمد یاد می‌کند که هیچ ارتباطی به عزاداری نداشت (همو، ۳۱۳). احتمالاً این کار، ریشه در عقاید انحرافی صوفیانه قرون قبلی در ایران داشته است.

همچنین در روز عاشورا، گزارشی از زنان شرکت کننده در مراسم سوگواری ارائه می‌دهد که قابل قبول است. وی در این باره می‌نویسد: «در این روزها تعدادی زن از روسی‌های مشخص یا مانند آن، به شهر می‌آیند ... آنان صندوقچه‌ای چوبین یا جعبه طلائی رنگ در دست دارند و خود را به مردها نزدیک می‌کنند، بی‌آنکه کلمه‌ای بر زبان آورند، می‌ایستند تا صدقه‌ای بدان داده شود، آنان این صدقات را به مردان نیازمندی که قبلاً شناسایی کرده‌اند، می‌دهند. زنانی نیز اهل فسق نیستند، هم این کار را می‌کنند» (همو، ۳۱۳).

نکته دیگر در مورد زنان، رعایت حجاب در سوگواری‌های محرم بود و می‌نویسد: «زنان در این ده دوازده روز، روبنده از صورت نمی‌گیرند و هر کاری را با صورت پوشیده انجام می‌دهند که نشانه نهایت اخلاص و سوگواری آنان برای حسین (علیه السلام) است» (همان جا).

۲-۳. مراسم سوگواری ماه محرم در سفرنامه تاورنیه

تاورنیه سیاح فرانسوی بود که نه بار به ایران سفر کرده بود، اطلاعات ارزشمندی درباره ایران ارائه داده است. وی شاهد مراسم سوگواری و تعزیه ماه محرم بود و این چنین می‌نویسد: «من شرح تشریفات آن روز را مطابق با آنچه خود به رأی‌العین در میدان شاه اصفهان (۱۶۶۷م / ۱۰۷۸م) مشاهده کرده‌ام، می‌نویسم» (تاورنیه، ۴۱۲)

تاورنیه درباره نحوه عزاداری، گزارش‌های معتدل و معقول تری نسبت به فیگوتروا ارائه می‌دهد و برخی از آنها چون دادن اطعام به عزاداران و نمایش شهادت امام حسین و طفل شیرخوارش علی اصغر، به واقعیت و حقیقت تاریخی نزدیکتر است و به طوری که امروز هم رواج دارد (همو،

(۴۱۴).

در ادامه می‌نویسد: «... هشت روز قبل از آن روز مخصوص (عاشورا)، متعصب‌ترین شیعیان تمام صورت و بدن خود را سیاه می‌کنند و برهنه عریان می‌شوند، فقط با پارچه کوچکی ستر عورت می‌نمایند و سنگ (سج) بزرگی به‌دستی گرفته، در کوچه و معبرگردش نموده، آن را به یکدیگر زده ... متصل فریاد می‌کنند حسین حسین ... تا غروب مشغول این کار هستند. شبها مردمان مقدسی هستند که آنها را به خانه‌های خود برده اطعام شایانی می‌نمایند. در این ایام همین‌که آفتاب غروب کرد، در اغلب گذرها و میدان‌ها منابری نصب شده، واعظین مشغول موعظه و حاضر کردن مردم برای روز مخصوص هستند ...» (همان‌جا).

تاورنیه در ادامه گزارش، به تعزیه دوطرفلان مسلم اشاره کرده است، هر چند که به اشتباه آن را فرزند امام حسین نام برده است (همو، ۴۱۴).

تاورنیه همچون دیگر سیاحان عصر صفوی به شرکت گروه‌های مختلف از جمله زنان، حتی بدکاران در مراسم عزاداری اشاره دارد و اینکه اینها معتقدند این کار، سبب آمرزش گناهان آنها خواهد شد (تاورنیه، ۴۱۴). به قول استاد مطهری، اینکه گریه به هر شکلی برای امام حسین علیه السلام ثواب دارد، ریشه در تحریقاتی چون کتاب روضه الشهداء دارد (مطهری، ۴۵ - ۴۶). هر چند روضه‌خوانی از عوامل مهم تقویت نفوذ علمای مذهبی در عهد صفوی بود (پرغو و غلامزاده، ۵۸).

تاورنیه همچنین از حضور ملا (روحانی) برای بیان واقعه کربلا در مرکز صفوی یاد می‌کند و می‌نویسد در پایان شاه به آن ملا خلعت می‌داد (همو، ۴۱۵). در نتیجه گزارش‌های تاورنیه نسبت به فیگوتروا به واقعیت نزدیکتر است و به جز اشتباهی مختصر، در بیان اصل روایت تاریخی واقع بین‌تر از فیگوتروا بوده است.

۳-۳. مراسم سوگواری ماه محرم در سفرنامه پیترو دل‌واله

دل‌واله از سیاحان ایتالیایی است که در سال ۱۶۱۷م / ۱۰۲۶ق به ایران آمد و اطلاعات جالبی از اوضاع ایران و دربار صفوی ارائه می‌دهد. وی شاهد مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام در اصفهان بود و گزارش مفصلی در این زمینه ارائه می‌دهد که برخی از آنها شبیه گزارش‌های فیگوتروا است. دل‌واله می‌نویسد: «ایرانیان تمام این مدت [دهه اول محرم] به طور مداوم عزاداری می‌کنند و ضمن تظاهرات عمومی عظیم، از پایان غم‌انگیز زندگی حسین علیه السلام ... سوگواری می‌کنند» (دل‌واله، ۱۳۷۰، ۱۲۳). دل‌واله اشاره دارد که در این دهه مردم نه تنها از ارتکاب هرگونه گناه پرهیز می‌کنند بلکه خود را از هر گونه خوشی محروم می‌سازند (همان‌جا).

دلاواله همانند فیگوئروا، از نوعی مراسم در عزاداری یاد می‌کند که ریشه در مراسم سوگواری ندارد و تحریفی و خرافی است و این گونه می‌نویسد: «... بسیاری از گدایان در کوچه‌های پر آمد و رفت شهر، تمام بدن خود تا گلو و حتی قسمتی از سر را در خمره‌هایی از گل پخته که در داخل زمین پنهان شده فرو می‌کنند ... از طلوع تا غروب خورشید و حتی پاسی از شب گذشته به همین نحو باقی می‌مانند و فقیر دیگری در نزدیکی آنهاست، که با عجز از عابران طلب صدقه می‌کند. جمعی دیگر در میدان‌ها و کوچه‌های مختلف و در جلو خانه‌های مردم برهنه و عریان فقط با پارچه سیاه ستر عورت کردند ... تمام برای نشان دادن سوگواری و عزای حسین است» (همان: ۱۲۴). این دو نوع نمایش در دهه محرم، فقط توسط دلاواله و فیگوئروا طرح شده است و چندان در ارتباط با سوگواری محرم نمی‌باشد و ریشه در رسوم قدیمی ایرانی و سنت خرافی دارد.

همچنین دلاواله، از دسته‌ای دیگر نام می‌برد، که برهنه هستند و خود را به رنگ قرمز درآورده و با آهنگ‌های غم‌انگیز از مصائب امام حسین علیه السلام یاد می‌کنند و مردم به عنوان صدقه به آنها پول می‌دهند (همان‌جا).

دلاواله از لباس عزا و دسته‌های عزاداری و نقش واعظان در مراسم سوگواری و نمایش‌های روزعاشورا گزارشاتی دارد (دلاواله، ۱۳۸۰، ۲، ۵۶۱ - ۵۶۲). وی به مانند فیگوئروا از دسته‌های عزاداری و درگیری بین آنها اشاره دارد و مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام را با شکوه‌تر از سوگواری امام علی علیه السلام یاد می‌کند (همان: ۵۶۳).

در ادامه گزارشات، دلاواله از نقش واعظ که روحانی بودند، اشاره دارد و می‌نویسد: «تمام سعی و کوشش را به کار می‌بندد تا هر چه ممکن است حاضرین را وادار به ریختن اشک کند ...» (دلاواله، ۱۳۷۰، ۱۲۴).

دلاواله به تفضیل مراسم عزاداری روز عاشورا را شرح می‌دهد و می‌نویسد: «پس از اینکه روز دهم ماه محرم یعنی روز قتل فرا رسید از تمام اطراف و محلات اصفهان دسته‌های بزرگی به راه می‌افتد ... بیرق و علم خود حمل می‌کنند و بر روی اسب‌های آنان سلاح‌های مختلف و عمامه‌های متعددی قرار دارد. بعلاوه چند شتر همراه دسته‌ها هستند که بر روی آنها جعبه‌های حمل می‌شود که درون هر یک سه چهار بچه به علامت بچه‌های حسین شهید علیه السلام قرار دارند» (همو، ۱۲۵).

دلاواله همانند سیاحان دیگر واقعه دوظفلان مسلم و شهادت علی اصغر فرزند امام حسین علیه السلام را باهم اشتباه گرفته است ولی بیانگر این است که این مراسم‌ها از دوره صفوی در ایران رایج شده است.

دلاواله همانند دیگر سیاحان از نزاع و درگیری دسته‌های عزاداری گزارش می‌دهد اما فرق آن این است که او همانند فیگوئروا به شکل اغراق آمیز به آن می‌پردازد و باید با احتیاط به آن نگریست. وی در این باره چنین می‌نویسد: «... دسته‌ها به حمل تابوت‌های می‌پردازد که دور تا دور آنها مخمل سیاه رنگی و روی آنها یک عمامه و یک شمشیر جای دارد. تمام این اشیا روی طبق‌های متعدد بر سر عده‌ای قرارداد ... دور تا دور حاملین طبق را عده‌ای چوبدار گرفته‌اند که هر آن آماده هستند با دسته‌ای دیگر که فقط به خاطر تقدم و تأخر بلکه به قصد مبارزه جویی وارد جنگ و نزاع شوند تا به نحوی در عزای حسین شرکت کرده باشند زیرا معتقدند که اگر کسی در این روز ضمن دعوایی کشته شود یکسره به بهشت خواهد رفت ...» (همو، ۱۲۵).

ترسیم خشونت‌آمیز بودن مراسم از سوی دلاواله، با اغراق و تحریف همراه است. زیرا هیچ یک از افراد دسته‌های عزاداری و نمایش‌های سوگواری قصد دعوا و مبارزه برای کشتن دیگری را نداشتند و این برداشت نادرست دلاواله به دلیل عدم آشنایی با این مراسم بود. در ادامه گزارش، از شواهد عینی خود مبنی بر نزاع دسته‌های عزاداری اشاره دارد و به خصوص اینکه اگر عَلم و طبق‌ها و سایر وسایل دسته‌ای به دست دسته‌ای دیگر می‌افتاد، سبب ننگ و خجلت عظیم آنها می‌شد (همان جا). این گزارش دلاواله را در منابع‌های دیگر هم می‌توان دید که متأسفانه واقعیت داشته و جنبه ناآگاهی و جهالت مردم و رسوخ عقاید خرافاتی در مراسم محرم دارد. شاید حکمرانان صفوی برای سلطه بیشتر بر مردم به این‌گونه حرکات دامن می‌زدند.

۳-۴. مراسم سوگواری ماه محرم در سفرنامه آدام اولتاریوس

اولتاریوس منشی هیئت هلشتاین بود که در سال ۱۶۳۷م/ ۱۰۵۷ق به ایران و دربار شاه صفی رسید. وی گزارش‌های خوبی از مراسم سوگواری ماه محرم به‌خصوص در زمینه مرثیه‌خوانی و قمه‌زنی و دسته‌های عزاداری در اردبیل کنار مقبره شیخ صفی‌الدین ارائه می‌دهد.

اولتاریوس در یک توصیف کلی از سنت ایرانیان در مورد عزاداری محرم می‌نویسد: «... در طول مدت سوگواری ایرانی‌ها، لباس عزاداری می‌پوشند، مکدر و غمگین هستند و موی سر خود را اصلاح نمی‌کند و این خلاف کردار و رفتار آنان است» (اولتاریوس، ۱۱۱).

وی به توصیف مراسم سوگواری محرم در کنار مزار شیخ صفی می‌پردازد و می‌نویسد، اردبیل پنج خیابان بزرگ دارد و هر کدام مختص به صنف معینی است و هر کدام دسته ویژه و جداگانه‌ای تشکیل داده و برای خود مداحی معین دارند (همو، ۱۱۲). وی از گروهی فقیر نام می‌برد که سر تا پای خود را سیاه می‌کردند و سنگ‌های را به هم می‌کوبیدند با چنین شیوه گریه و زاری در مقابل

حجره عزاداری پرسه می‌زدند تا صدقه‌ای به آنها دهند (همان‌جا).

لذا با استناد به گزارش‌های اولتاریوس و سیاحان دیگری چون تاورنیه، فیگوئروا و دلاواله می‌توان پی برد که برخی از افراد طبقه پایین و فقیر در ایام سوگواری پول‌های را با عنوان صدقه برای کمک خرجی زندگی خود به روش‌های مختلف از افراد جامعه دریافت می‌کردند و به نوعی خود را مظلوم و سزاوار کمک نشان می‌دادند.

وی در ادامه گزارشات از برگزاری مجالس روضه‌خوانی و همچنین استفاده از اشعار کتاب روضه الشهداء در مدح امام حسین (علیه السلام) اشاره دارد (همان‌جا).

اولتاریوس در ادامه از مراسم نعش‌گردانی امام حسین (علیه السلام) و حمل پرچم و گردش اسب و شتر با حمل علم، پارچه و اسلحه و همچنین از حمل تابوت‌های به ویژه تابوت بچه که تمثیلی از شهادت فرزند امام حسین (علیه السلام) است، اشاره دارد (همان، ۱۱۷ - ۱۱۸).

نکته قابل توجه گزارشات اولتاریوس در مراسم روز عاشورا شهراردبیل است که در آن روز عده‌ای از عزاداران به خنجر، قمه‌زنی و رگ‌زنی (نشتر) مبادرت می‌کردند و در این رابطه چنین می‌نویسد: «زمانی که خورشید برآمد (روز عاشورا)، تعداد زیادی از اهالی در حیاط جلوی مزار شیخ صفی بازوان خود را با نشتر سپردند. چند تن دیگر رگ دست خود را باز کردند، تعداد آنها به قدری زیاد بود که تا ظهر حیاط را خون آن چنان پوشانده بود که به نظر می‌رسید چندین رأس گاو نر را سر بریده‌اند ... این کردار به یاد روان شدن خون امام مظلوم آن‌هاست و باوردارند که با رفتن خون، بسیاری از گناهان و تقصیرات آنان نیز از بدن بیرون می‌رود ... هر کس در مراسم مربوط به آن‌ها شرکت کرده باشد مشمول رحمت الهی خواهد شد» (همان، ۱۱۸).

به احتمال زیاد این رسم از دوره صفوی در ایران، به ویژه آذربایجان مرسوم شد و گزارش‌های سیاحان مؤید این امر است.

۳-۵. مراسم سوگواری ماه محرم در سفرنامه انگلبرت کمپفر

کمپفر در سال ۱۶۸۳ م / ۱۰۹۴ ق به همراه هیئتی برای مطالعات علمی به ایران آمد و به مدت دو سال در ایران بود. وی در سفرنامه‌اش به مراسم سوگواری محرم توجه داشت و می‌نویسد: «ایرانیان ده روز اول ماه محرم را هر ساله به تجدید خاطره این واقعه جانسوز (شهادت امام حسین (علیه السلام)) می‌گذرانند. قبل از ظهرها به میدان‌ها و معابر عمومی می‌آیند و با احترام تمام به سخنان ملا که روزانه یکی از فصول ده‌گانه کتاب روضه‌الشهدا واعظ کاشفی را می‌خوانند، گوش فرا می‌دهند» (کمپفر، ۱۸۰).

در مورد نحوه‌ی اجرای مراسم مذهبی در دهه اول محرم می‌نویسد: «غروب همه در دسته‌های نامنظم به استراحت‌گاه‌های کوچک سر چهار راه‌ها یا اماکن عمومی می‌روند و با خود چیزهای قابل اشتعال می‌برند و دور آتش حلقه می‌زند و بزودی رقصی آغاز می‌گردد، که در ضمن آن نام حسین را به صدای بلند ذکر می‌کنند ... این عزاداری در روز عاشورا ختم می‌شود. در این روز مردم ... تابوت امام مقتول ... و جسد خون‌آلود پسر بچه‌ای را ... حمل می‌کنند ... در بعضی از شهرها شرکت‌کنندگان در این تشییع جنازه با تیغی که در دست دارند به سر خود که تازه تراشیده شده زخم می‌زنند ...» (همو، ۱۸۰ - ۱۸۱). گزارشات کمپفر درباره مراسم محرم، شبیه گزارشات سیاحان دیگر است ولی نسبت به فیگوتروا و دلاواله از اعتدال بیشتری برخوردار است.

کمپفر نیز به تعزیه‌خوانی و تیغ‌زدن و زخمی کردن سر عزاداران اشاره دارد که شروع آن مختص دوره صفوی است.

۳-۶. مراسم سوگواری محرم در سفرنامه کاتف

فدت آفاناس یوج کاتف، تاجر روسی، در سال ۱۶۲۳م/ ۱۰۳۳ق به ایران آمد و در سفرنامه خود، درباره سوگواری ماه محرم در اصفهان اطلاعات مختصری می‌دهد و می‌نویسد: «در مراسم سوگواری و تعزیه، تابوت‌های مخمل‌دار در جلوی شترهایی که روی آنها بچه‌های لخت را طوری نشانده‌اند که ... فریاد می‌زنند حسین حسین، پیشاپیش تابوت‌ها، چوب‌های بزرگی را حمل می‌کنند و به همراه اسبان آنها دو طفل لخت که بدن و سر و صورت خود را به خون آلوده‌اند، سوار بر اسب در حرکت‌اند ... منظور از بچه‌های خونین همان کودکان بی‌گناه امام حسین علیه السلام است که شهید شده‌اند» (کاتف، ۸۱).

در نتیجه کاتف روسی، به مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی واقعه کربلا اشاره مختصری دارد و در گزارشات او چیز تازه‌ای وجود ندارد. او نیز اشتباهاتی در گزارش خود چون مراسم دو طفلان مسلم با مراسم حضرت علی‌اصغر دارد که همه آنها را از فرزندان امام حسین علیه السلام می‌پندارد.

۳-۷. شاردن و مراسم سوگواری ماه محرم

شاردن سیاح معروف فرانسوی در سال ۱۶۶۵م/ ۱۰۷۶ق به ایران آمد و اطلاعات بسیار خوبی از آداب و رسوم ایران ارائه می‌دهد ولی گزارش مختصری در زمینه سوگواری محرم دارد و در این باره می‌نویسد: «بزرگترین سوگواری‌ها روز شهادت پسر حضرت علی علیه السلام انجام می‌گیرد» (شاردن/۱، ۴۴۹). وی بر عکس سیاحان دیگر توجه چندانی به مراسم عزاداری و دستجات ماه محرم ندارد و

اطلاعاتی در این مورد ارائه نمی‌دهد.

۳-۸. مراسم سوگواری در سفرنامه جوانی فرانچسکو جملی کارری

جملی کارری در اواخر سلطنت شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵ ه. ق) به ایران آمد و از مراسم سوگواری ماه محرم در اصفهان یاد کرده است (کارری، ۱۲۵).

جملی کارری در بخش دوم سفرنامه‌اش از فصل اول آن، از سوگواری شهادت امام حسن و امام حسین (علیهم‌السلام) یاد می‌کند (همو، ۱۲۵ - ۱۲۷). وی مراسم سوگواری هر دو امام (علیهم‌السلام) را باهم ذکر می‌کند و گزارش کاملاً اشتباهی دارد و می‌نویسد اینها بدست عمر به قتل رسیدند و مراسم عمرگوشی را ذکر می‌کند (همو، ۱۲۵). این روایت بیانگر اطلاعات ضعیف نویسنده است، البته منظور از عمردر بین مردم عزادار همان عمر بن سعد است که جملی کارری به اشتباه با عمر خلیفه دوم یکی دانسته است. جملی کارری شخصی تاجرپیشه بود و اطلاعات چندانی از مراسم مذهبی نداشت، به همین خاطر اشتباهاً مراسم عمرگوشی و مراسم شهادت امام علی و امام حسین (علیهم‌السلام) را با هم یکی دانسته است (همو، ۱۲۳). در مجموع کاتف و کارری، اطلاعات چندانی از مراسم سوگواری ماه محرم ارائه نمی‌دهند و اگر مختصری هم ذکر کرده‌اند تکرار نوشته‌های سیاحان قبلی است و بیشتر با اشتباه همراه بوده است.

۴- جمع‌بندی آماری گزارشات و دیدگاههای هشت سفرنامه‌نویس^۱ خارجی عصر

صفوی درباره مراسم سوگواری ماه محرم:

۱- (تاورنیه، ۴۱۴؛ دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۲۵؛ اولتاریوس، ۱۱۷ - ۱۱۸؛ کمپفر، ۱۸۱؛ کاتف، ۸۱)	اجرای مراسم سوگواری با نمایش شبیه خوانی صحنه شهادت امام حسین (علیهم‌السلام)، قتل طفل شیرخوار امام (علیهم‌السلام) و دو طفلان مسلم که به اشتباه فرزندان امام حسین (علیهم‌السلام) معرفی شده‌اند، همراه بود.
۲- (اولتاریوس، ۱۱۷ - ۱۱۸؛ دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۰۱؛ کمپفر، ۱۸۱؛ کاتف، ۸۱ - ۸۲)	۲- مراسم تعزیه و شبیه خوانی و شبیه گردانی بصورت نعش گردانی در دوره صفویه به صورت ابتدایی صورت می‌گرفت
۳- (اولتاریوس، ۱۱۸؛ کمپفر، ۱۸۰ - ۱۸۱)	۳- اجرای رسم قمه‌زنی و زخمی کردن سر و بدن توسط خنجر و نشتر زدن (رگ زدن) در روز عاشورا
۴- (ر. ک. تمام هشت سفرنامه خارجی)	۴- برگزاری مجالس سخنرانی توسط علمای مذهبی در معابر عمومی و میدان‌های

۱. اولتاریوس، تاورنیه، دلاواله، فیگوئروا، کمپفر، کارری، کاتف، شاردن.

شهر در دهه اول محرم	(مذکور)
۵- حضور اکثریت افراد جامعه بخصوص زنان از طبقات مختلف، حتی زنان روسبی	(فیگوتروا، ۳۰۷ - ۳۰۸؛ کارری، ۱۲۵؛ تاورنیه، ۴۱۴ - ۴۱۵)
۶- حضور شاه، بزرگان و اعیان در مراسم سوگواری	(فیگوتروا، ۳۰۸ و غیره)
۷- اعتقاد ایرانی‌ها مبنی بر اینکه گریه و زاری در مراسم سوگواری منجر به بخشش گناهان می‌شود.	(تاورنیه، ۴۱۴؛ دلاواله، ۱۳۷۰؛ ۱۲۵؛ اولتاریوس، ۱۱۸)
۸- موعظه خوانان با خواندن اشعار و روضه از کتاب روضه الشهدا ملاحسین واعظ کاشفی، حضار را به گریه وادار می‌کردند. به نوعی مجلس روضه‌خوانی رواج یافت.	(کمپفر، ۱۸۰؛ اولتاریوس، ۱۱۲)
۹- در روز عاشورا کسب و کار تعطیل و حرام بود و فقط به عزاداری مشغول بودند. وضع ظاهر عزاداران با پوشیدن لباس سیاه و تراشیدن موی سر و صورت به عنوان علائم عزا مرسوم گردید.	(اولتاریوس، ۱۱۱؛ دلاواله، ۱۳۷۰؛ ۱۰۰)
۱۰- راه‌اندازی و برپایی دسته جمعی عزاداری با همکاری و کمک مالی مردم محلات همراه بود. به عبارتی هیئت عزاداری محلات تأسیس شد.	(کمپفر، ۱۸۰؛ اولتاریوس، ۱۱۲)
۱۱- راه‌اندازی سینه زنی و زنجیرزنی در مراسم سوگواری	(فیگوتروا، ۳۱۰؛ کمپفر، ۱۸۰؛ کاتف، ۸۲)
۱۲- در برخی موارد بین دسته‌های مختلف عزاداری بر سر تقدم دسته‌ها و علم آنها در میدان و مکان‌های عزاداری منجر به دعوا و حتی زخمی و کشته‌شدن افراد می‌شد.	(فیگوتروا، ۳۱۱؛ دلاواله، ۱۳۸۰؛ ۵۶۳؛ دلاواله، ۱۳۷۰؛ ۱۲۵)
۱۳- آیین سنگ زنی برای سوگواری یا دو قطعه چوب و استخوان را بهم می‌کوبیدند	(دلاواله، ۱۳۷۰؛ ۱۰۰؛ تاورنیه، ۴۱۲ - ۴۱۴)
۱۴- برخی سیاحان مراسم غم‌رکشی و شهادت امام علی <small>علیه السلام</small> را با مراسم سوگواری محرم اشتباه گرفته‌اند.	(دلاواله، ۱۳۷۰؛ ۱۲۶؛ کارری، ۱۲۳ - ۱۲۵)
۱۵- گزارش سیاحان در مورد برخی مراسم عزاداری چون قربانی کردن شتر و قطعه قطعه کردن آن و برهنه کردن افراد با نمایش رقص و سنج با اغراق و تحریفاتی همراه است.	(فیگوتروا، ۳۱۱ - ۳۱۲؛ تاورنیه، ۴۱۲؛ دلاواله، ۱۳۷۰؛ ۱۲۴ و ۱۲۶)
۱۶- اطلاع دادن عزاداران حسینی به خصوص در روز عاشورا	(تاورنیه، ۴۱۲؛ اولتاریوس، ۱۱۳)
۱۷- ساختن آب انبار و سقاخانه برای یاد تشنگان کربلا	(فیگوتروا، ۳۱۰)
۱۸- رسوخ برخی رسوم خرافی و اغراق‌آمیز در مراسم سوگواری مانند رسم قربانی	(فیگوتروا، ۳۱۱ - ۳۱۳)

	شتر و قطعه قطعه کردن آن و قراردادن تیکه گوشت بر سر نیزه‌ها و چرخاندن آن در شهر یا برهنه شدن افراد
(فیگوتروا، ۳۱۰؛ تاورنیه، ۴۱۵: کارری، ۱۲۵)	۱۹- دریافت هدیه و پول توسط علمای دینی در قبال روضه‌خوانی و سخنرانی در مراسم سوگواری
(فیگوتروا، ۳۱۴ و غیره)	۲۰- رعایت حجاب و پوشش در مراسم سوگواری دهه محرم از سوی زنان، حتی زنان روسبی
(دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۲۴؛ تاورنیه، ۴۱۲؛ فیگوتروا، ۳۱۲ - ۳۱۳؛ اولناریوس، ۱۱۲)	۲۱- شیادی و فریب‌کاری عده‌ای برای کسب صدقه و پول در ایام سوگواری مانند‌گودال کردن و رفتن در آن، سیاه کردن و قرمز کردن بدن برهنه، همان چاک چاکوها
هشت سفرنامه اروپایی عصر صفوی	در مجموع: بیست و یک نکته درباره مراسم سوگواری محرم استخراج شد

۵- تحلیل جامعه شناختی مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام بر مبنای داده‌های

سفرنامه‌های مذکور

با بررسی سفرنامه‌های خارجی چنین استنباط می‌گردد، اگر چه در دوره صفوی مراسم آیین سوگواری رشد یافت اما هنوز تکامل نیافته بود. مراسم سوگواری در گذشته و آغاز حکومت صفوی در روز عاشورا برگزار می‌شد ولی به مرور با حمایت دولت صفوی و به روایت سیاحان در ده روز اول محرم برگزار می‌شد و سیر روبه رشدی داشت. آیین سوگواری ابتدا در قالب دسته‌هایی بود که از برابر تماشاچیان رد می‌شد و با سینه‌زدن و زنجیر زدن و کوبیدن سنج و حمل علم و علامت و هم‌آوازی، حماسه‌سرایی کربلا را یادآوری می‌کردند.

از زمان شاه اسماعیل اول مجلس روضه‌خوانی با تبلیغ کتاب روضه الشهداء رواج یافت و سبک تازه‌ای از فعالیت به نام روضه‌خوانی را بوجود آورد (پترچلکووسکی، ۱۶۵). به استناد سفرنامه‌های خارجی مذکور، روحانیون مذهبی شرح واقعه کربلا را با استناد به کتاب روضه‌الشهدا واعظ کاشفی، تشریح می‌کردند و در هر روز از ده روز محرم، یکی از فصول روضه الشهداء را قرائت می‌کردند (کمپفر، ۱۷۹ - ۱۸۰).

در سفرنامه‌های اوایل دوره صفوی، جنبه‌های نمایشی و خیابانی و نزاع خونین بین عزاداران در تبریز مشاهده نمی‌شود و مستندات تاریخی گواه بر آن است که همگانی شدن مراسم عاشورا از دوره

میانه صفوی به خصوص از زمان شاه عباس اول است (نجف زاده، ۳۴۰). در دوره شاه عباس اول، مراسم محرم از سطح محلی به سطح یک «کارناوال» عظیم تبدیل شد و به قول کلمارد، حداقل از زمان تغییر پایتخت به اصفهان، در زمان شاه عباس اول، مراسم محرم در زندگی سیاسی و اجتماعی ایرانیان، نمود بیشتری یافته است و تا اواخر دوره صفوی ادامه یافت (Calvard, 142-143). ولی انعکاس مراسم مذهبی در سفرنامه‌های میانه صفوی به ویژه شاه عباس اول مفصل‌تر از سفرنامه‌های اواخر دوره صفوی بود.

با استناد به سفرنامه‌های خارجی، تعزیه در این دوره نوعی واقعه‌خوانی بود و مانند نمایش‌های جمعی و همگانی اجرا می‌شد. علاوه بر آن، دسته‌هایی نیز اسب‌ها و تابوت خونین و کودکان خون‌آلود را حمل می‌کردند. ظاهراً یکی از سوگواری‌های نخستین عزاداری برای طفلان مسلم و حضرت علی‌اصغر بوده است که سفرنامه‌های خارجی به اشتباه همه را فرزندان امام حسین علیه السلام قلمداد کردند (ر.ک. تاورنیه، ۴۱۴؛ دلاواله، ۱۳۷۰؛ ۱۲۵؛ کاری، ۱۲۵ - ۱۲۶؛ کاتف، ۸۱). در نتیجه دوره صفوی محملی برای رشد یک نوع نمایش سنتی به نام تعزیه شد و آن در ابتدا به معنی عزاداری برای امام حسین علیه السلام و شرح واقعه کربلا خلاصه می‌شده است.

نکته دیگر اینکه، اجرای آیین سوگواری ماه محرم به خصوص در روز تاسوعا و عاشورا، یک اقدام جمعی بود که نوعی رقابت بین دسته‌جات را برمی‌انگیخت و این رقابت موجب تأمین مالی مراسم می‌شد. همکاری دسته‌های عزاداری محله‌های مختلف، به خصوص سران دسته‌ها، در پرداخت هزینه مالی عزاداری، قابل توجه است. این همکاری‌ها جدا از جنبه مذهبی و کسب ثواب اخروی، گاهی با وقف دکان‌هایی از سوی ثروتمندان و سرشناسان محلات برای تأمین مالی و عزاداری همراه بود. علاوه بر آن، ساکنان محلات اصولاً در تأمین مالی دسته‌جات به اندازه وسیع مالی خود داوطلبانه شرکت می‌کردند و حتی شاه و بلندپایگان حکومتی نیز در این مشارکت همراهی می‌کردند. نیت برپاکنندگان دسته‌جات عزاداری، جدا از جنبه مذهبی، از لحاظ اجتماعی، برای آن بود که منزلت اجتماعی و آبروی محله خود را با اجرای خوب و کامل مراسم سوگواری محرم حفظ کنند تا از جایگاه مناسب اجتماعی بهره‌مند شوند (ر.ک. بیضایی، ۱۱۶).

نکته دیگر اینکه، افراد در دهه محرم سعی می‌کردند، مسائل شرعی را رعایت نموده و از ارتکاب گناه پرهیز کنند. همچنین مراسم محرم یادآوری تفکر دفاع از حق و مظلومیت و مبارزه با ظالم است.

نکته دیگر اینکه، همکاری جمعی و رقابت در قالب دسته‌جات عزاداری بین محلات مختلف یک

شهر و روستاهای همجوار، گاهی منجر به نزاع و درگیری قومی و محلی می‌شد، که با کشته یا زخمی شدن افراد همراه می‌گردید. این اعمال یادآور رسوم جاهلی و غیر مذهبی است که هیچ ربطی به فلسفه قیام امام حسین (علیه السلام) و مظلومیت ایشان نداشت (ر.ک. فیگوئروا، ۳۱۱: دلواله؛ ۱۳۸۰: ۵۶۳).

نکته دیگر، برپای مکان‌های عزاداری بود. در محلات شهرها، علاوه بر تکایا و مساجد، تکایای موقتی نیز در معابر عمومی شهر بوسیله چادر، خیمه و خرگاه برپا می‌شد، که در سفرنامه‌های خارجی به آن اشاره شده است. در این اماکن ابزار آلات عزاداری مانند عَلم، طبل، سنج، تابوت و قربانی کردن گاو، گوسفند و شتر، تماماً از سوی کمک‌های مردمی و افراد خیر و متمکن محلات تأمین می‌شده است. اقدام آنها در نظر قاطبه مردم، اقدامی دینی و اخروی محسوب می‌شد. از این رو نذر و نیازهای مردمی در این مواقع به اوج خود می‌رسید. به قول تاورنیه مردم محلات در برپایی هر چه باشکوه‌تر آن سنگ تمام می‌گذاشتند (تاورنیه، ۳۳۶).

نکته بسیار قابل توجه کارکردهای اجتماعی مراسم محرم است. تشریفات و مراسم مذهبی از نظر جامعه‌شناسان برای پیوند اعضای گروههای اجتماعی ضروری است، از این رو آنها در بحران‌های گوناگون زندگی اجتماعی مانند تولد و مرگ حضور پیدا می‌کنند (گیدنز، ۴۹۳). در واقع شرکت در مراسم سوگواری، به این معناست که افراد بعد از مرگ آن شخص، به ارزشها و شعائر اجتماعی‌اش پایبند می‌باشند. مراسم ایام محرم، کارکردهای اجتماعی متعددی برای جامعه دارد؛ یکی از آنها ایجاد همبستگی است. علاوه بر آن، یکی از عوامل مهم بازدارنده ناهنجاری‌های اجتماعی و الگوی برای انجام اعمال صواب است. همچنین باعث پیوستگی و استمرار فرهنگی می‌شود. دیگر اینکه، طبقه و فاصله طبقاتی در مراسم محرم جای ندارد و نوعی وفاق اجتماعی و وحدت در آن است. مهم‌تر اینکه، مراسم مذهبی محرم سبب جامعه‌پذیری و بازیابی هویت دینی می‌گردد.

مسئله دیگر اینکه، بر اساس گزارش سیاحان می‌توان گفت احتمالاً از دوره شاه عباس اول، مراسم و شعائر شیعی به حوزه همگانی گسترش یافت. اگر در دوره شاه اسماعیل اول، گزاره اصلی گفتمان سیاسی - مذهبی صفوی، نفوذ و سرایت مذهب شیعه اثنی عشری بود، در گفتمان دوره شاه عباس اول، مناسک و شعائر مذهبی به خصوص محرم حوزه همگانی را در برمی‌گرفت و در دوره بعد از شاه عباس اول، در سیمای متفاوت دیگری جلوه‌گر شد. به طوری که جنبه‌های دراماتیک و حزن-آورتری در مناسک محرم افزوده شد و از شکل کارناوال رسمی به مراسم تأثربرانگیز درآمد مانند تابوت گردانی. علاوه بر آن ساخت سقاخانه به یاد ابوالفضل عباس (علیه السلام) و تکیه و حسینیه در دوره میانه صفوی صورت گرفت (نجف زاده، ۳۴۲). نصرآبادی در تذکره خود، نخستین آن را در اصفهان می‌داند

(نصرآبادی، ۹). در نتیجه راهاندازی حسینیه، تکیه و دسته‌های عزاداری محصول این دوره به خصوص اواخر صفوی است (مطهری، ۸۷ - ۸۸).

نکته مهم و قابل توجه دیگر، رسوخ عقاید و سنت‌های غیر مذهبی در مراسم سوگواری و فرهنگ عمومی مردم بود. از آن جا که در دوره صفویه مراسم عزاداری در نهایت شکوه و عظمتش اجرا می‌شد، در اجرای آن برخی از جنبه‌های مراسم عامیانه قدیمی مانند علم کُشی و دسته گردانی وارد شد که ربطی به قیام امام حسین و شیعیان نداشت و تبدیل به فرهنگ مذهبی عمومی شد (ر. ک. فیگوئروا، ۳۱۱ - ۳۱۳). علاوه بر اینها، رواج برخی رسوم غلط چون قمه‌زنی و زخمی کردن سر و بدن با کارد و حرکات زشت گدایان و افراد فقیر به شکل‌های مختلف برای کسب پول و درآمد بود که ربطی به مسائل سوگواری ماه محرم نداشت (ر. ک. اولثاریوس، ۱۱۸؛ کمپفر، ۱۸۰ - ۱۸۱). در نتیجه در دوره صفوی، به خصوص شاه عباس اول، بین مراسم مذهبی و دیگر شعائر غیر مذهبی نوعی آمیختگی مشاهده شده است. رواج این رسومات خرافاتی و غلط در بلند مدت تأثیرات منفی از لحاظ فرهنگی و سیاسی بر جامعه ایران گذاشت.

۶- تحلیل تاریخی و اجتماعی مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام و تاثیر آن در

انقلاب اسلامی ایران

بخش عمده‌ای از رویدادهای مربوط به نهضت امام حسین علیه السلام را تاریخ‌نویسانی چون طبری، ابن اثیر، ابوالفرج اصفهانی، مسکویه رازی، ابو حنیفه دینوری، شیخ مفید، بلاذری از «مقتل» ابومخنف در کتابهای «الامم و الملوک»، «الکامل فی التاریخ»، «تجارب الامم»، «مقاتل الطالبیین»، «اخبار الطوال»، «ارشاد و انساب الاشراف» «روضه الشهداء»، نقل همه اینها با حدیث و روایت و آیات الهی توس ذاکرین مصایب اهل بیت علیهم السلام و عاظ پردازش شده و ماررو بوجو آمدن قیامها تحریک و تریج تهیه نمودند است در محرم و صفرروی منابر آن را قرائت می‌کردند.

بدین سبب گروه ذاکرین به روضه خوان و خطبا و وعاظ مجالس و عالمان دینی موسوم شدند، مثلا در منابر مصایب اهل بیت را از کتاب «روضه الشهداء» «می‌خواندند.. در شکل زندگی، سفر، زندگی و مرگ و رویارویی با دشمن و خطابه و رجزهایی که ایراد می‌کردند هم تاریخ و انقلاب و دگروگونی می‌ساختند، هم اسلام راستین و رفتار مسلمانانه را به نمایش می‌گذاشتند و هم به مردم زمانه و زمان‌های در راه پیام می‌دادند که اسلام راستین چیست و مسلمان واقعی کیست؟

میرزا یحیی مدرس (قرن سیزدهم هجری)، جیحون یزدی (قرن سیزدهم هجری)، حاج شیخ

عبدالسلام تربتی (قرن سیزدهم هجری)، جلال همایی (از شعرای بزرگ معاصر)، امیری فیروزکوهی (از شعرای بزرگ معاصر) و جودی خراسانی و چند تن دیگر از شعرای معاصر به وضوح مراسم سوکواری آن حضرت همام را با ذکر سند منابع اصیا و دسته اول نهایت اخلاص و خضوع هنرمندانه بیان داشتند. و سخنرانیهای فرزندان انقلاب در سخنرانیها و خطابه در ایام محرم و صفر به گوش مردم و انقلابیون می‌رسانند.

مثلاً به روایت از کربلا مشهور از درس و ایستادگی و شهامت است بسنده می‌کنم. همانند: «عابس» به «شودب» می‌گوید: «ابتدا تو به میدان برو، و من شنونده - یا شاید هم شودب - لحظه‌ای فکر می‌کنیم که عابس برای لحظه‌ای بیشتر زندگی کردن می‌کوشد! شودب می‌پرسد: «چرا اول من؟ گرچه فرقی نمی‌کند و همه برای شهادت آمده‌ایم و هر کس بر دیگری پیشی می‌جوید. پس چرا تو مرا پیش می‌رانی؟!»

عابس: «نگاه کن حسین تمامی یاران و خویشان، حتی کودکان و زنان و شیرخوارگان را به مقتل آورده است، در حالی که مرا نه پدری است و نه برادر و خواهر و زن و کودکی ... تنها کس من تویی، به جای پدر و مادر و برادر و فرزند تنها تو را دارم، پس ابتدا می‌خواهم با تو به اندازه مهر و عشقم، به جای هر کسی که می‌توانستم داشته باشم در راه امامم و اعتقاد شهید شوم و بعد خود به میدان بروم تا اجر بیشتری بیابم.

امام حسین علیه السلام در تقدیر از این یاران مخلص و دلاور فرمود:

«فانی لا اعلم اصحاباً او فی و لاخیراً من اصحابی و لا اهل بیت ابر و لا اوصل من

اهل بیتی فجزاکم الله عنی خیراً»

«همانا من یارانی باوفاتر از یاران خود سراغ ندارم، و بهتر از ایشان را نمی‌شناسم، و خاندانی نیکوکارتر و مهربانتر از خاندان خود ندیده‌ام، خداوند از جانب من بهترین پاداش را به شما عنایت فرماید.»

امام حسین علیه السلام در ضمن نامه‌ای به مردم بصره نوشت:

«فان السنه قد امیتت، ان البدعه قد احییت»

«همانا سنت الهی مرده، و بدعتهای ضد اسلامی زنده شده است.»

نظر به اینکه واکاوی یک جریان انقلاب براساس آموزه‌های قرآنی و و تطبیق آن با قیام عاشورایی همانند انقلاب امام خمینی علیه السلام در سال پنجاه و هفت خورشیدی یک بینش دینی و بررسی

آن در طول تاریخ همواره بهم پیوستگی آشکار و روشنی دارد که برهمگان هویدا است. با توجه به مباحث ارایه شده اولین نکته تاثیر گذاری بدون شک انقلاب اسلامی ایران به عنوان ادامه دهنده راه نهضت بزرگ عاشورایی و حسینی بعد از هزار و چهارصد سال از پوست و گوشت این انقلاب ریشه دوانده و رهبر بزرگ انقلاب در روز بعثت پیامبر اسلام چه بجا فرمودند همانگونه در بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله چهارده کنگره کاخ پادشاهی در مداین عصر ساسانی فرو ریخت و آن چهارده کنگره می تواند فرو ریختن اساس پادشاهی و انهدام رژیم ستم شاهی را در قرن چهاردهم باشد. نکته دیگر بیان پر مغز نوه پیامبر اسلام حضرت امام حسین علیه السلام است که در طول تاریخ توسط پیروان راستینش وعظا دلسوخته اش در تمامی مراسم سوگواری و غیر آن زمزمه می شود و می فرماید:

«ان کان دین محمد لا یستقم الا بقتلی یا سیوف خذینی»

اگر دین محمد جز با کشته شدن من بر پای نمی ماند، ای شمشیرها مرا در بر گیرید.

نکته دیگر هم حضرت امام خمینی در عملیات تروریستی منافقین کوردل فرمودند بکشید *م*؛ *م*؛ *م*؛ ملت ما بیدارتر می شود (صحیفه امام خمینی ۷، ۱۸۳) یکی از مهمترین تاثیر عاشورا در انقلاب اسلامی بوجود آمدن انقلاب و شورشهای ضد طاغوتی در قرون گوناگون شده و جنبشهای فراوان حق طلبانه و اصلاحی را در تاریخ اسلام و جهان امروزه و انقلاب اسلامی بوجود آورده است. نهضت عاشورا بعنوان محور عمود امید بخش بوده و عالیتین الهام معنوی نوید آمال و تحرکات انقلابی شده است. امام خمینی با روشن نمودن اهداف و انگیزه های نهضت امام حسین مراسم عاشورا را به یک امر کاملاً سیاسی تبدیل نمود و از آن به بهترین وجه برای پیشبرد نهضت بهره برد. تاثیر دیگر آن در انقلاب اسلامی بیان مشهور است: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» محور دینی نهضت شد. امام خمینی بر این روایت (کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا) که در واقع بیانیه حرکت و حضور هر مسلمان در صحنه تقابل حق و باطل است، بارها تأکید کردند. امام خمینی و بنیانگذار انقلاب اسلامی در جای دیگر می فرماید:

«امام حسین علیه السلام با خون خود اسلام را زنده کرد، شما به تبعیت از او انقلاب و اسلام را ضمانت نمائید» (صحیفه امام خمینی، ۱۷، ۴۳۹ - ۴۴۰)

بخشی از سخنان و پیام های حضرت امام مؤید این نکته است که برپایی انقلاب اسلامی و ایجاد

هویت آن، منبعث از قیام سیدالشهدا و تاثیر همین مراسم سوگواری آقا بوده است. این نکته در بسیاری از آثار حضرت امام انعکاس یافته است؛ از جمله:

«انقلاب اسلامی ایران پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است». (صحیفه امام خمینی، ۱۷، ۴۸۲)، «فداکاری‌ها و مجاهدات جوانان برومند کشور اسلامی که پایه‌گذار خروج از ظلمت به سوی نور و از حقارت به سوی سرافرازی و از اسارت به سوی استقلال بود، از نور الهی عاشورا فروغ و از شمس جمال حسینی گرمی یافت ...». (همان: ۱۶، ۲۹۰)

«نهضت امام حسین آمده تا اینجا و این نهضت را درست کرده است. [نهضت ما] شعاعی است از آن نهضت». (همان: ۱۰، ۳۱۴)

«نهضت ما مرهون امام حسین است». (همان: ۸، ۵۲۸)

«ما هر چه داریم از محرم است ... از شهادت سیدالشهداء است. اگر این مجالس وعظ و خطابه و عزاداری و اجتماعات و سوگواری محرم نبود، ما پیروز نمی‌شدیم؛ همه تحت بیرق امام حسین علیه السلام قیام کردند». (همان: ۱۷، ۵۸)

«اگر این دستجات سینه‌زنی و نوحه‌سرایی نبود ۱۵ خرداد پیش نمی‌آمد؛ هیچ قدرتی نمی‌توانست ۱۵ خرداد را برپا کند، مگر قدرت خون سیدالشهداء». (همان: ۱۶، ۳۴۶)

این روند در برخی سخنان امام آن‌چنان به صراحت نزدیک می‌شود که جنبه شبیه‌سازی و این‌همانی در هویت پیدا می‌کند؛ برای نمونه:

«امروز، روز انتقام از کفر و نفاق است. روز، فداکاری است. امروز، روز عاشورای حسینی است. امروز، ایران کربلاست؛ حسینیان آماده باشید». (همان: ۲۱، ۱۱)

«این همه مردم خون دادند برای اینکه اسلام تحقق پیدا کند؛ [این راه] دنباله کار سیدالشهداست؛ سیدالشهداء هم خونس را داد برای اینکه اسلام تحقق پیدا کند». (همان: ۸، ۴۲)

نتیجه

از نتایج قابل توجه مراسم محرم در عصر صفوی، جنبه‌های کارکردی و عاطفی آن است که اهم آن عبارتند از: ایجاد همبستگی و استمرار فرهنگ دینی، وفاق اجتماعی، جامعه‌پذیری، کاهش بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی، بازیابی هویت دینی و دفاع از حق.

نتیجه دیگر، وحدت محلات در برگزاری مراسم و تأمین ملزومات آن، کمک به نیازمندان و همچنین رعایت مسائل شرعی و پرهیز از گناه در ایام سوگواری و در ادامه اجرای این مراسم برای دیگر امامان بود.

اما از نکات قابل تامل آن، تحریفاتی بود که وارد مراسم مذهبی محرم شد و ربطی به آیین شیعه و قیام امام حسین علیه السلام نداشت و به مرور در فرهنگ عامه مردم رسوخ کرد و رنگ مذهبی به خود گرفت. مراسمی چون قمه زنی، زخمی کردن سر و بدن، دعوا و نزاع بین دسته‌های عزاداری بر سر مسائل جزئی چون تقدم علم و علم کشی و دسته گردانی، نمونه‌های از این تحریفات بودند. که به برکت مراجع عظامی چون امام خمینی از چهره زلال اسلام و تشیع زوده شد.

فرجام سخن اینکه، مناسک و شعائر مذهبی تشیع کاملاً ذهن و زبان جامعه ایرانی را متوجه خود ساخت و بر اساس مؤلفه‌های نیرومند از تاریخ اسلامی که با روحیات ایرانیان همخوانی داشت، نظام فرهنگی و زبانی منحصر به فردی را ایجاد کرد که بعدها تحولات سیاسی و اجتماعی ایران را شدیداً تحت تأثیر قرار داد. و ما امروز به برکت آن در آستانه جشن چهلمین سالگرد انقلاب شکوهمند اسلامی هستیم.

فهرست منابع

۱. امام خمینی، سید روح‌الله موسوی خمینی، صحیفه امام، «مجموعه آثار امام خمینی»، ۱۳۷۲، تهران
۲. ابی مخنف، *وقعة الطف*، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۷ هـ. ش.
۳. اولتاریوس، آدام، (۱۳۶۳)، *سفرنامه (بخش ایران)*، ترجمه احمد بهپور، تهران، ابتکارنو.
۴. آژند، یعقوب، (۱۳۸۵)، *نمایش در دوره صفوی*، تهران، انتشارات ارشاد اسلامی.
۵. ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۳۵۴)، *تاریخ کامل ایران*، ترجمه حسن روحانی، ج ۵، تهران، اساطیر.
۶. بلو کباشی، علی، (۱۳۸۳)، *تعزیه خوانی حدیث قدسی مصائب در نمایش آیینی*، تهران، امیرکبیر.
۷. بیضایی، بهرام، (۱۳۸۵)، *نمایش در ایران*، تهران، روشنفکران و مطالعات زنان.
۸. تاورنیه، ژان باتیست، (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمه ابوتراب نوری، تجدیدنظر حمیدشیرانی، تهران، سنایی.

۹. پرغو، محمدعلی و غلامزاده صدیقه، (۱۳۹۴)، «**عزاداری محرم در عهد صفویه، یک بررسی جامعه‌شناختی**»، فصلنامه تاریخ اسلام، س ۱۶، ش ۳، مسلسل ۶۳، صص ۳۵ - ۶۹.
۱۰. چلکووسکی، پتر، (۱۳۶۷)، **تعزیه هنربومی**، پیشرو ایران، ترجمه داود حاتمی، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۱. دلاواله، پیتر، (۱۳۸۰)، **سفرنامه**، ترجمه محمود بهفروزی: ج ۲، تهران، قطره.
۱۲. -----، (۱۳۷۰)، **سفرنامه**، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۳. رضائی، رمضان، **نقش مدارس عصر صفویه در گسترش تشیع دوازده‌اسامی**، مقاله ۳، دوره ۴۷، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صفحه ۲۱۶-۱۹۷، دانشگاه تهران.
۱۴. سید محسن امین، **امام حسین علیه السلام و حماسه کربلا**، ترجمه ناصر پاکپور، تهران: واحد تحقیقات اسلامی، ۱۳۶۶.
۱۵. شاردن، ژان، (۱۳۷۲)، **سفرنامه**، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس.
۱۶. علامه سید مرتضی عسکری، **معالم المدرستین**، بیروت: موسسه النعمان، ۱۴۱۰.
۱۷. علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، **اللهوف فی قتلی الطوفوف**، نجف مطبعة الحیدریه، ۱۳۶۹ هـ. ق.
۱۸. فقیهی، علی اصغر، (۱۳۷۸)، **تاریخ آل بویه**، تهران، سمت.
۱۹. فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا، (۱۳۶۳)، **سفرنامه**، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو.
۲۰. **قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳ تهران.
۲۱. کاتف، فدت آفاناس یوچ، (۱۳۵۶)، **سفرنامه**، ترجمه محمدصادق همایون‌فرد، تهران، کتابخانه ملی ایران.
۲۲. کمپفر، انگلبرت، (۱۳۶۳)، **سفرنامه**، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی.
۲۳. کارری، جووانی فرانچسکو جملی، (۱۳۴۸)، **سفرنامه**، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، با همکاری فرانکلین.
۲۴. کبیر، مفیزالله، (۱۳۶۲)، **ماه‌گیران**، تاجدار، ترجمه مهدی افشار، تهران، زرین.
۲۵. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۶)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی.
۲۶. مجلسی، بحار الأنوار، تهران، **المکتبه الاسلامیه**، ۱۳۹۳ هـ.

بررسی تحلیلی مراسم سوگواری امام حسین علیه السلام از منظر سفرنامه ... □ ۷۳

۲۷. مدنی - فارسی، محمدرضا، *وستاخیز عاشورا*، سال انتشار: ۱۳۵۵ هـ ش،

۲۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۱)، *حماسه حسینی*، ج ۱، تهران، صدرا.

۲۹. مرتضی مطهری، ۱۳۴۱ «مشکل اساسی در سازمان روحانیت»، در بخشی درباره مرجعیت و روحانیت، تهران.

۳۰. نجف زاده، مهدی، (۱۳۸۹)، «*صورت‌بندی مذهبی، سیاسی جامعه ایرانی در عصر صفویه*»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹، صص ۳۳۷ - ۳۵۴.

۳۱. کربن، هانری، *آئین جوانمردی*، ترجمه احسان نراقی، نشر نو، ۱۳۶۳.

۳۲. نصرآبادی، محمدطاهر، (۱۳۱۷)، تذکره نصرآبادی، کوشش وحید دستگردی، تهران، بی نا.

33. Calmard, Jean, (1996), *Shiei Ritual and power, in: Safavid Persia: the history and politics of an Islamic society*, edited by Charles Melville I.B. Thuris & Co Ltd New York Publishers London Published in association.

